

ملاحظات بر طرح پیشنهادی گروه کار سند سیاسی «جمهوریخواهان لائیک و دمکرات» و دو نکته پیرامون طرح ساختار

رضا اکرمی
۱۵/۰۷/۲۰۰۴

بدنبال دوره ای کار فشرده، از جانب دو گروه کار تدارک کننده مباحث نخستین گردهمایی سراسری جمهوریخواهان لائیک و دمکرات، هم اکنون دو طرح پیشنهادی در باره اهداف سیاسی و ساختار پیش روی ماست. در زمانی زودتر از پیش بینی اولیه. از این بابت قبل از هر چیز باید از دوستان تهیه کننده طرح های مذکور تشکر نمود و آرزو کرد با ملاحظه پیشنهادات تکمیلی و توجه در خور به آنها، راه رسیدن به تصمیمات سنجیده در نشست سراسری ما را هموار سازند.

همانطور که تجارب همه ما نشان می دهد در گردهماییهای گسترده، به ویژه اگر خصلت تصمیم گیری هم داشته باشند - چنانکه هدف این گردهماییست - بحثها می بایست حتی الامکان از قبل صورت گرفته باشد و وقت کم جلسه بر روی موارد اساسی مورد تفاوت، با آشنائی کامل نسبت به صورت مسئله، متمرکز گردد.

با چنین نگاهی به موضوعات در دستور کار، سعی من اینست که به سهم خود به این نیاز پاسخی گفته باشم. امید اینکه نکات زیر کمکی باشد در همین راستا.

۱- طرح سند سیاسی :

نکات مورد نظر من در برخورد به این طرح از دو جهت مطرح می شود. الف - فرم سند ب - محتوی

الف - فرم سند .

در مورد فرم کار، همانطور که ملاحظه می شود دوستان تنظیم کننده ترجیح داده اند به جای صورت مشخص دادن به متن سند و نزدیک کردن آن به پلانفرم سیاسی جنبش و تشکلی که هدف معین و احیانا تاریخ داری را مد نظر قرار می دهد. از فرمی استفاده کنند که باز تاب دهنده برخی اصول و پرنسیپهاست، که آمالیست تاریخی و سرانجام آن نیز

تاریخ نمی شناسد. وزن سیاسی و فرهنگی و احیانا اجتماعی و اقتصادی آن از هم تفکیک پذیر نیست. و در نتیجه معلوم نخواهد شد وظایفی است در برابر تشکل و نیروئی معین، و یامانیفستی است اونیورسال و برای همه زمانها.

مشکل دیگری که در فرم کار عمل می کند به شیوه تنظیم سند، در جائیکه تفاوت نظر در میان اعضاء گروه کار وجود داشته است مربوط می شود. دوستان تلاش کرده اند صرفا نکاتی را در اصل متن حفظ کنند که اتفاق آراء بر سر آن وجود داشته است. از همین رو مشاهده می شود که تقریبا برای اساسی ترین موضوعات، « طرح سند » پاسخ جمعی ندارد. و می دانیم هرگاه یک گروه کار محدود، آنها با زمان نسبتا زیادی که در اختیار داشته است نتواند نظر مشخص و قطعی خود را بیان نماید، چگونه می توان در یک جمع وسیع به نتیجه رسید. به عنوان نمونه توجه شود به بند مربوط به نوع جمهوری، که اتفاقا یکی از موضوعات گرهی و بحث شده به اندازه کافی در میان ما بوده است و اگر مطالب در [قلاب] را کنار بگذاریم آنچه از گروه کار، دستگیر ما می شود چنین خواهد بود. «جمهوری غیر متمرکز مناسبترین شکل تأمین این آزادیها و حقوق است.» یک لحظه تصور نمائیم که گردهمایی سراسری ما هم به همین خلاصه بسنده نماید.

ب - محتوی .

- در مقدمه از پیشینه دراز، جنبش دمکراتیک مردم ایران بدرستی نام برده شده است اما بدون اینکه تعریف معینی از ترکیب، نیروها و شرایط و... ارائه شود. یکجا، تمامی پیشرفتهای جامعه ما به این جنبش خلاصه می شود که خود رگه هائی از همان ضعف تاریخی مارا که، همه را سیاه و سفید دیدن است به نمایش می گذارد. ترجیح من این است که این گونه مباحث را به تاریخ نویسان و محققین ایران واگذاریم و جلساتی از این دست را پیرامون مفاهیم از این دست در گیر نسازیم. شاید بهتر باشد بطور کل مقدمه را که تأثیر چندانی هم در اساس حرکت ما نخواهد داشت حذف شود.

- اگر مقدمه حذف شود طرح سند می تواند تحت این عنوان تنظیم شود.

اصول، اهداف و راهبرد سیاسی ما

- استقرار جمهوری لائیک و پارلمانی، متکی بر اصل تفکیک قوای سه گانه، انتخابات آزاد همگانی، رأی مخفی و مستقیم، انتخابی بودن سران کشور و پلورالیسم سیاسی.

- پذیرش و تعهد به اجرای بیانیه جهانی حقوق بشر و میثاقهای ضمیمه آن و لغو حکم اعدام.

مواد دیگر می تواند به شکل کنونی حفظ شود با این اصلاحات:

در بند مربوط به تأمین استقلال با حذف [قلاب] تأکید بر اصل وارد متن اصلی گردد.

در بخش مربوط به حقوق ملیتها بر شکل تجربه شده فدرالیسم در مقایسه با خودمختاری ارجحیت داده شود.

و بالاخره در تعیین راهبرد سیاسی - که البته بدون این عنوان در پایان طرح سند آمده است - دو پاراگراف آخر بدین شکل تدقیق شود.

خواست و تلاش ما این است که رژیم جمهوری اسلامی به شیوه ای مسالمت آمیز و با مراجعه به آراء مردم تغییر یابد. ما از اشکال مختلف مبارزات مردم علیه بیدادگری و ستم حمایت می کنیم و قیام علیه جباریت را حق مردم می دانیم.

مناسبترین شکل گذار به نظام جانشین فراخواندن مجلس مؤسسان است. که در پی یک دوره مبارزه آشکار سیاسی، در شرایط آزادی رسانه ها، تشکل ها و اجتماعات و با آراء مستقیم، مخفی و همگانی تشکیل می شود.

مجلس مؤسسان نوع نظام آتی را تعیین و قانون اساسی آنرا تدوین کرده و به همه پرسى عمومی وا گذار خواهد کرد.

اصلاحاتی برسند پیشنهادی گروه کار ساختار

بنا داشتم در این نوشته صرفا به دو نکته در ارتباط با سند گروه کار ساختار اشاره ای داشته باشم. در جریان مطالعه مجدد این سند، که به اعتقاد من دوستان تهیه کننده، زحمت و دقت قابل توجه ای در تهیه آن به کار گرفته اند، بر خود لازم دیدم به برخی اصلاحات نیز که به نظر من رسیده است نگاهی داشته باشم. با این امید که چنین هم فکری هائی در پایه ریزی موازین دمکراتیکی که اساس همکاریهای آینده ما، بر آنها استوار خواهد شد مفید واقع شود.

دو نکته نخست

الف - در طرح گروه کار بدرستی آمده است که « X جنبشی است کثرت گرا، فرا گیر، دمکراتیک، باز، علنی و مستقل » و در بند ۳ مربوط به عضویت آمده است که « مبنای مشارکت در کوششهای X فردی است، صرفنظر از وابستگی یا عدم وابستگی افراد به احزاب، سازمانها، تشکلات و انجمنهای سیاسی دیگر » تا جائیکه به این تعاریف مربوط می شود و با توجه به شرایطی که در آستانه اجلاس در آن قرار داریم، شاید آلترناتیو دیگری در امر سازماندهی، و تعیین ساختاری غیر از این، که بتواند پاسخگوی گردآوری مجموعه نیروهای این طیف باشد، در مقابل ما قرار نداشته باشد، اما خطا خواهد بود هر گاه تصور کنیم که « جنبش X » همه « جمهوریخواهان لائیک و دمکرات را بر مبنای اسناد پایه مصوب مجمع سراسری سپتامبر ۲۰۰۴ (سند سیاسی و ساختاری) گرد هم می آورد. »

در بند ۵ مشارکت زنان

پیشنهاد می‌کنم تمامی موارد که بعضاً هم تو صیفی است و جای آن در ساختار یا به عبارتی دیگر در اساسنامه نیست حذف شود و تنها این بند بیاید که: حداقل ۳/۱ یک سوم نهادهای انتخابی، در صورت وجود کاندیداهای زن، از میان زنان انتخاب می‌شوند. ضوابط حاکم بر انتخابات باید به گونه‌ای تعیین شود که این هدف تأمین گردد.

بقیه از صفحه ۱۵

نگاهی به طرح ساختار....

این جریان در آغاز، ادعای اتحاد وسیع جمهوریخواهان را داشت. اما با ندیدن الزامات آن، پا در مسیر دیگری گذاشت. همچون جمهوریخواهان دمکرات و لائیک سه فکر در میان فعالین آن وجود داشت. یکی آنرا جنبش می‌دانست، دیگری آنرا جبهه می‌پنداشت و سومی، برداشت حزبی از آن داشت. گرایش نخست دیری است که به کنار نهاده شده است. مسیر حرکت این تشکل بسوی است که طرفداران اتحاد جبهه‌ای در آن، سنگر به سنگر در حال عقب نشینی اند. اینان تمام هنرشان را بکار گرفته اند که زمان اعلام رسمی حزبیت آنرا عقب اندازند. جمهوریخواهان دمکرات و لائیک نیز با این اسناد پیشنهادی، به نظر می‌رسد می‌خواهند در این مسیر گام گذارند، اهمیت دارد گردهمایی سراسری با درک موقعیت این جریان، از شکل دادن به یک ساختار دائم پرهیز نماید بجای آن به همراه دیگر نیروهای جمهوریخواه در پی راهیابی برای اتحاد وسیعی از جمهوریخواهان باشد.

من بر این باورم که شکل‌گیری اتحادی از جمهوریخواهان با این حد از پراکندگی و این وسعت از فعالین منفرد بسیار دشوار است. در این زمینه در مقاله‌ای تحت عنوان "گره کور جمهوریخواهان کجاست" نظراتم را بیان کرده‌ام و از تکرار آن در اینجا اجتناب می‌نمایم.

- ۱- (در مورد "پرداخت حق عضویت" در گروه کار ساختار توافق عمومی وجود نداشته است، اما در اصل مطلب تغییری ایجاد نمی‌کند. دو شرط دیگر نیز شرایط عضویت در احزاب سیاسی است.)
- ۲- من جنبش را با مفهوم رایج آن در نظر گرفته‌ام. اگر دوستان تدوین‌کننده سند، به تعریف دیگری رسیده‌اند، می‌بایست درک جدیدشان را از جنبش بیان می‌کردند.



تعلق و یا تعیین جمهوریخواه، لائیک و دمکرات بودن افراد و نیروها.

اگر چنین ارزیابی‌ای درست باشد شاید مناسب تر باشد از اسامی‌ای چون:

«جنبش برای جمهوری»، «جنبش برای جمهوری دموکراتیک-لائیک»، «جنبش برای جمهوری، دمکراسی و لائیسیت در ایران» استفاده شود، تا تره‌های پیشگفته.

اصلاحات

در بند ۴. نهادهای. آمده است «این نهادها در همه تصمیم‌گیری‌ها و روشهای کار خویش خود مختار و خودگردانند....»

در ادامه. پاراگرافی اضافه شود که تمام این نهادها نام واحدی (منظور یکسان است) که در مجمع عمومی سراسری تعیین شده است را بر خود خواهند داشت، با پسوند کشور و یا شهر محل فعالیت.

در بند ۳-۴. آمده است: پیشنهاد الف، مجمع عمومی سراسری ۲۵ نفر را با رأی مستقیم و مخفی به عنوان شورای هماهنگی انتخاب می‌کند.

پیشنهاد می‌کنم این تعداد به طور ثابت ۱۰/۱ یک دهم شرکت‌کنندگان دارای حق رأی در مجامع عمومی تعیین شود.

در همین بند و درمقوله همین شورای هماهنگی پیشنهاد ب، می‌گوید نمایندگان نهادهای محلی و گروه‌های کار سراسری به شورای هم‌آهنگی اضافه شوند.

این مقوله به لحاظ حقوقی و ثبات در ترکیب شورای هماهنگی و تصمیمات آن، مشکلات عدیده‌ای به وجود می‌آورد. و این در حالیست که با وجود مورد ۲ بند ۴-۴ از جمله وظایف شورای هماهنگی «هماهنگ کردن فعالیت‌های نهادهای گوناگون و کمک به ایجاد و گسترش آنها و نظارت بر فعالیت گروه‌های کار سراسری» تعیین شده است و از این بابت نیز خلأی وجود نخواهد داشت.

در همین بند ۴-۴ تبصره ا بر اتفاق آرا در مسائل مهم تأکید دارد. این امر، کار این شورا را با مشکلات جدی مواجه خواهد کرد. توضیح آن شاید لازم نباشد. پیشنهاد می‌کنم این تبصره بدین صورت اصلاح شود که تصمیمات شورای هماهنگی با اکثریت مطلق آرا اتخاذ می‌شود و در موارد مهمی که خود تشخیص می‌دهد کسب ۳/۲ دو سوم آراء الزامیست.

تبصره دیگری به همین بند اضافه شود بدین صورت که: به درخواست ۳/۱ یک سوم صاحبین حق رأی در مجامع عمومی و یا ۳۰ درصد از اعضای شورای هماهنگی می‌توان مجمع عمومی فوق‌العاده را فراخواند و یا موضوعی را به همه پرس‌های اعضا گذاشت. شورای هماهنگی موظف است حد اکثر ظرف ۴ ماه درخواست متقاضیان را به اجرا گذارد.

بدون تردید «جنبش X» کانون همکاری‌ای خواهد شد از بخش مهمی از کوشندگان لائیک و دمکرات ایرانی. اما از این امر واضح تر، این واقعیت است که بخش دیگری از نیروهای همین فکر و سیاست در احزاب و سازمانهای دمکراتیک و لائیک فعالند. آنها تاکنون راه حل حضور فردی در این تلاش را پاسخ گو ندانسته‌اند و خود نیز به اندازه کافی جستجوگر راه‌های جدید نبوده‌اند.

اگر چنین موضوعی واقعیت دارد اولاً باید از خود محوری پرهیز کرد و در مقام جمعی از جمهوریخواهان لائیک و دمکرات وارد گفتگو با دیگران و برنامه‌ریزی شد. ثانیاً به راه‌حلی اندیشد که زمینه تفاهم و دستیابی به توافقات گسترده تر را هموار سازد.

البته در مقدمه همین سند پیشنهادی آمده است، «سندیست موقت»، اما معلوم نیست که این قید موقت، در پاسخ به کدام نیاز مطرح شده است و چه چیزی را مشروط می‌کند.

پیشنهاد من در وضعیت فعلی این است که:

- از احزاب و سازمانهای سیاسی همین طیف دعوت شود تا در صورت تمایل نمایندگانی به گردهمایی سراسری ما بفرستند.

- در گردهمایی، کمیسیونی مرکب از نمایندگان همین احزاب و سازمانها و همچنین اعضای از شورای هماهنگی منتخب، به منظور یافتن اشکال همکاری و هماهنگی فعالیت‌های آتی تعیین گردد. بدیهست که طرحها و نتیجه کار این کمیسیون در اختیار ارگانهای تصمیم‌گیر گروه‌بندیهای شرکت‌کننده قرار خواهد گرفت. و تنها پس از تصویب آنها به اجرا گذاشته خواهد شد. (لازم به یاد آوریست که من در اینجا از سیاست دعوت از مهمان، به طور کلی صحبت نمی‌کنم که موضوعیست جداگانه)

ب- نام تشکل

در سند پیشنهادی دو نام ذکر شده است «جنبش جمهوریخواهان دمکرات و لائیک ایران و جنبش ایرانیان جمهوریخواه، دمکرات و لائیک» صرف نظر از اینکه من هنوز متوجه تفاوت این دو عبارت نشده‌ام، اما در پاسخ به درخواستی که در زیر نویس همین سند آمده است و طی آن خواسته شده نظر به اهمیت نام، اظهار نظر شود، به طور بسیار خلاصه بگویم که تا جائیکه به اسامی تشکلات سابقه دار در سطح ایران و جهان مربوط می‌شود، ما شاهد نامهایی هستیم که بازتاب اهداف آنهاست تا هویت یا به تعبیری دیگر خصلت آنها.

- شبیه اجتماع برای جمهوری در کشور X و یا اتحاد برای دمکراسی در.....

- گفته می‌شود حزب سوسیالیست یا کمونیست و نه حزب کمونیستها و سوسیالیستها.

و منطقاً نیز مبارزه برای جمهوری، لائیسیت و دمکراسی قابل فهم و ارزیابی تر است تا درخواست